

هو

۱۲۱

# اجازہ ارشاد جناب مجذوبعلی

باب طریقت و وجہ حقیقت سیّاح مُدُن الابد و الازل و سبّاح بحار علم و عمل

شیخ المشایخ

جناب حاج محمدعلی اصفہانی نورعیشاہ اول <sup>طاب ثراہ</sup>

## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لمن ارشدنا بالحمد، والصلوة على نبينا صاحب لواء الحمد و المقام المحمود، والسلام على اوصيائه خلفاء الله الملك المعبود.

اما بعد، چون بی وجود ذیجود کامل مکمل، در هر جزوی از اجزای زمان، بل هر قطری از اقطار دایره امکان، مراتب تکمیل که مقصود الله تعالی از ایجاد عباد آنست، صورت وجود نمی گیرد، و بدون مبلغی بالغ، در هر دوری از ادوار دوران، بل در هر بقعه ای از بقاع اقالیم جهان بحکم صریح: **و بلغ رسالتک**<sup>۱</sup> معنی امکان نمی پذیرد، بناء علیه بر حکیم علی الاطلاق که معالج امزجه انفس و آفاق است، لازم است که در هر عهدی از عهود عوالم امکان، و در هر شهری از شهرستان های اقالیم زمان و مکان، ماده قابل استعدادی را خلعت وجود ارزانی دارد، و با بلاغ احکام که سرمایه تربیت جمهور انام، و ممیز استعدادات متضاده خواص و عوام است بگمارد، تا همواره سلسله اکمل و تکمیل ساری، و پیوسته ماء معین ابلاغ و تبلیغ که اصل اصیل غصون تربیت است در جویبار وجود جاری باشد.

و چون طلوع کوکب این مقصود بجز از مشارق الانوار نبوت و ولایت ممکن نبود، شاهد دلارای این مطلوب بجز در مرآت حقایق نمای ذوات مقدسه رسالت و امامت صورت ظهور نمی نمود. چرا که نفوس طیبه ایشان مجمع البحرین قدیم و حادث، و برزخ ذوجهتین ظاهر و باطن است. لهذا بقای این سلسله ببقاء آن ذوات مقدسه که منطوقه: **انا نظهر فی کل زمان**<sup>۲</sup> بر آن شاهدیست باقی و دوام نشأه این افاضه را بمدلول: **نحن صنایع الله و الناس صنایع لنا**<sup>۳</sup>، دست جود آن نفوس اقدس در مجاری محافل وجود ساقی است. و در اوقاتی که مظاهر تامه و هیاکل مخصوصه ایشان، بحسب ظاهر مرئی و محسوس نباشد، و ظهور انوار و بروز آثار ایشان در سایر افراد انسان علی قدر تفاوت استعداد اتهم لازم است، تا سلسله منقرض و منقطع نگردیده، فیوض غیبی بتوسط آن معادن انوار لاریبی بعموم عالمیان رسیده باشد.

و سالکان مسالک دین مبین و طالبان طریقه انیقه حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله- کمل آن وسایط را نظر بفرط محویت و کمال تخلق و تادب باخلاق النبوی و آداب الولی در انبیا و اولیاء سالفه محو و نیستی فرموده، در حقیقت بمتعابعت اوامر و نواهی ایشان بآن ذوات اقدس و نفوس مقدس متاسی میباشند.

و همچنین است که هر یک از اولیای مذکوره را در عهد خود تعیین نواب و وکلا، باطراف عالم و اصناف امم واجب است، که در ابلاغ احکام الله بجمهور انام، و توضیح طریقه حقه و لویه بر عموم خواص و عوام ساعی گردیده، تا حجة الله بر عالمیان تمام گردیده، ایشان هم در تبلیغ مأموریت باتیان بحق قیام کرده باشند. و از حین ظهور حضرت آدم «علی نبینا و علیه السلام الی یومنا هذا» یدابید و

<sup>۱</sup> اشاره بآیه ۶۷: سوره مائده.

<sup>۲</sup> منسوبست بحضرت علی علیه السلام (کلمات مکنونه فیض کاشانی ناشر موسسه فراهانی ص ۲۰۰)

<sup>۳</sup> منسوبست بحضرت صادق علیه السلام (کلمات مکنونه فیض ناشر موسسه فراهانی ص ۱۲۱)

نفسا بنفس این سلسله علیه علویه بنهج مسطور و روش مذکور جاری بوده و هکذا الی حین ظهور حضرت الخاتم و هو یوم الموعود و التامة المشهود و اول سلسله العود.

بناء علی هذه المقدمات بر حقیر فقیر **نور علی بن فیض علی** نعمت اللہی که در این جزء زمان در سلسله جلیله مفصله فوق الکتاب بشرف ارشاد مفتخر و مباحی، و در اجرای آن بنهج حق متوثق با لطف الہی است، لازم و متحتم است که بدایع ودایعی که دست ارشاد اولیای سلف در گنجینه خاطر اخلاص مظاهر نهاده، و ابواب فیوضی که ببرکت نفوس قدسیه ایشان بر چهره ضمیر حقانیت تخمیرگشاده، بمواد مستعدہ و استعدادات قابلہ عوالم وجود ابلاغ نماید، و طالبان رحیق تحقیق را از آن صہبای فرح بخشای، لبالب ایغ نموده؛ هر یک از سلاک را که قابل انوار رسالت داند، و لایق آثار ولایت مشاهده نماید، بدست جد و جهد ابواب ارشاد را بر چهره او بگشاید، و او را نیز به اهدای طالبان طریقه حقہ مرتضویہ- سلام اللہ- و سقایمت متعطشین زلال اسرار و لویہ تعیین نماید، که مهمما ممکن از عہدہ حقوق ابلاغ و تبلیغ برآید.

بالجمله در این اوان میمنت اقتران، عالی جناب قدسی القاب فضائل و کمالات اکتساب عمدۃ السالکین و زبده الموحدین فرزندی **آقا محمد جعفر بن الحاج حاجی صفرخان قراگزلو**<sup>۱</sup> را که مدتی است مدید و عہدیتست بعید که بارشاد حضرت ولایت شان تجرد نشان سلالة العارفین و زبده الواصلین فرزند ارجمند **حسینعلی شاه**<sup>۲</sup> شرف هدایت یافته و در زمرہ ارباب سلوک مسلوک درآمدہ در هر باب وظایف تجرد و تفرد را مسلوک داشته، در عتبات عالیات عرش درجات وارد حضور و منظور نظر حقانیت منظور شدہ. چندین اربعین را بملازمت حضور و مواظبت ذکر مدام و فکر تمام قیام و اقدام نموده؛ مورد امتحانات لازمه طریقه حقہ خیرالانام گردیده و جمیع اطوار و اخلاق او را بمیزان تحقیق سنجدہ، آثار کمال از ناصیہ احوال او بمنصہ ظهور رسیده؛ و الحق برنص: **موتو اقبل ان تموتوا** او را از جمیع رذایل دنیہ نفسانیہ مرده و باخلاق حسنه ملکوتیہ زندہ یافت حسبہ اللہ ترخص او را بارشاد سایر عباد از طالبین راه بر خود لازم دانسته، و مجاہدہ او را در اجرای طریقه حقہ ولویہ متحتم دانسته.

بتاریخ بیست و دویم شهر محرم الحرام سنہ ۱۲۰۷ در ارض اقدس کربلای معلا مشارالیہ را عارج معارج عز و علا و به تفویض شغل ارشاد و موقع امتحان و ابتلای حضرت مولی نموده. بین السالکین بخطاب مستطاب شاهی مخاطب و در زمرہ عارفین بلقب ارجمند **مجدوبعلی** ملقب گردانید، که بعنایت اللہ تعالی گمشدگان بیدای ناپیدای طلب را حسبہ اللہ بلا مشارکت نفس و هوا رهنمائی بصراط المستقیم طریقه حفہ ولویہ نموده و باجازہ اذکار خفیہ قلبیہ و افکار علویہ ملکوتیہ ابواب تجلیات و طرق افاضات را بر چهره قلوب عشاق حضرت مولی گشوده دارد. و از آنجا که بنا به براهین محکمہ عقلیہ و نقلیہ جمیع اطوار سفلیہ ظلال آثار علویہ، و تمامی آثار ملکیتہ پرتو اضائت انوار ملکوتیہ است کہ:

<sup>۱</sup> از اقطاب سلسله علیه نعمت اللہی و از مشرفین خدمت جناب حسینعلی شاه بود و بسال ۱۲۳۸ هجری در تبریز وفات نموده و همانجا مدفون گردید.

<sup>۲</sup> حاج محمد حسین معروف بشیخ زین الدین ملقب به حسینعلی شاه از مشرفین خدمت جناب سید معصوم علیشاه و از اقطاب سلسله نعمت اللہی است و در سال ۱۲۳۴ در کربلای معلا برحمت ایزدی پیوست.

### صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

و در هر قرنی از اقران و هرآنی از اوان که بحسب صورت (نبیی) از انبیا مأمور برسالت شده، یک نفر از اولیا را نیز با او همراه فرموده‌اند، و هرگاه که خلیفه‌ای بر او رنگ خلافت ناطق احکام ولایت فرموده‌اند، خلیفه صامتی را نیز بر اسرار او آگاه نموده‌اند، تا بمعاضدت و مرافقت یکدیگر احکام نبوت و ولایت را جاری و در اثبات حق یکدیگر را یاری نمایند، چنانچه کلمه مبارکه: **انا الصامت و محمد الناطق**<sup>۱</sup> برین برهانی است مطابق، و فی الحقیقه مراتب نبوت و ولایت در یکدیگر مضموم و مدغم، و احکام ظاهر و باطن با هم توأم‌اند، و مظاهر تامه این انوار مجمع البحرین حدوث و قدم، و بر جریده این معنی کلمه قدسیه **انا محمد و محمد انا**<sup>۲</sup> رقم است.

لهذا در هر عهد و اوانی، و در هر زمان و مکانی که آفتاب تربیت ایشان ماده قابله انسانی را مستعد ظهور آثار رسالت و انوار ولایت کند، لازم است که بحسب صورت دو مظهر را از هم ممتاز، و در معنی ایشانرا بعز وحدانیت سرافراز دارد، که ایشان نیز باطنا معاضد و معاون یکدیگر و ظاهراً از یکی آثار رسالت و از دیگری انوار ولایت جلوه‌گر باشد، و همچنین رشته این معنی نیز از ازل باید متصل، و در عهد ولایت هیچیک از اولیا از هم منفصل نگردیده تا در این زمان که نوبت ارشاد بمقتضای کمال استعداد بفرزند ارجمند نیک سیر **آقا محمد جعفر** ملقب به **مجذوبعلی شاه** رسیده، نظر بمتابعت آن سنت سنیه لازم نمود که یکی دیگر از فرزندان وحدانیت توأمان را که ظاهراً و باطناً با مشارالیه سمت مناسبت و قوت مرافقت داشته باشد بمعاضدت او تعیین نموده، و در سلسله ارشاد او دلیل راه ظاهراً و باطناً در ارشاد اصحاب راه و اجرای احکام الله با او متفق و همراه نمایم.

لهذا عالی جناب قدسی القاب فضایل و کمالات اکتساب جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول زبده السالکین و قدوة المحققین و خلاصة العارفين فرزند ارجمند **آقارضا**<sup>۳</sup> سلمه الله تعالی را که او نیز عهدیست که بارشاد حضرت ولایت‌شان تجرد نشان سلاله العارفين و زبده الواصلین فرزند ارجمند کامکار رفیع المقدر **حسینعلی شاه** بشرف ذکر و اجازه فکر رسیده و بآبیاری دهقان مواظبت ذکر مدام و مراقبت فکر تمام گلهای تجلیات صدق و یقین در ساحت خاطر مخالفت مظاهرش دمیده، الحق مستعد ظهور انوار ولایت و قابل بروز آثار کرامت است، با عالیجناب سابق الالقاب مشارالیه معاضد و متفق و همراه نموده، بالاتفاق مأمور بارشاد ارباب استحقاق مشغول گردانیدیم. که عالیجناب **آقارضا** مشارالیه باطنا مشغول دلالت و راهبری باشند، و عالیجناب مجذوبعلی شاه مزبور ظاهراً در کار هدایت و راهنمایی هر یک از ارباب استحقاق را که عالیجناب مذکور طالب راه هدا و مشتاق لقای حضرت مولی داند، دلالت بطریقه حقه مرتضویه نموده، بشرف ارشاد حضرت ارشاد پناهی مجذوبعلی شاهش مشرف سازد، و در اطوار سبعه سیر و سلوک او را تنها نگذارد، بلکه همواره بقوت ولویه باطنیه متوجه تربیت

<sup>۱</sup> منسوبست بحضرت علی علیه السلام (کلمات مکنونه فیض کاشانی ناشر موسسه فراهانی ص ۱۹۸)

<sup>۲</sup> منسوبست بحضرت علی علیه السلام (کلمات مکنونه فیض کاشانی ناشر موسسه فراهانی ص ۱۹۹)

<sup>۳</sup> حاجی ملا رضای همدانی ملقب بکوثر علی شاه از مشایخ معروف سلسله نعمت الهی بود و بسال ۱۲۴۷ هجری در کرمان وفات یافت و همانجا مدفون گردید.

ایشان شده در القای قوانین سلوک دلالت بترک رذایل و کسب محاسن، و مواظبت بذکر، و ادامت بحضور کرده درباره هر یک مساعی موفور بمنصه ظهور آورد.

پس عالیجناب فرزند ارجمند امجد آقای محمدرضا بملاحظه صورت اجازه، خود را بتقدیم این خدمت مامور و در اجرای آن مساعی مشکور پذیرای عرصه ظهور نماید، که بعنایت الله تعالی مثاب و مأجور خواهد بود. بواسطه تقدیم این خدمت ابواب فیوض ولویه و افاضات علویه بر چهره خود خواهد گشود. جمهور فرزندان سعادت مند سالکان راه و عارفان آگاه از ارباب ارشاد و سایر فقرای نیک نهاد سلسله جلیله نعمت اللهیه عالیجنابان مشارالیهما را حسب المسطور صاحب مقام هدایت و ولایت دانسته. در حلقه ارباب ارشادشان مقام، و در زمره اولیای عالی مقامشان مقیم دانند.

عموم طالبان صراط مستقیم طریقه حقه مرتضویه، و جمهور رهنوردان بادیه طلب مقامات ولویه، عالیجنابان مشارالیهما را در بیدای ناپیدای طلب راهنما و راهبر دانسته، بارشاد آن و دلالات این، طالب مرتبه صدق و یقین بمتابعت اوامر و نواهی ایشان خود را با شاهد مقصود قرین، و طریقه حقه ایشانرا، یدابید و نفسا بنفس متصل بائمه طاهرین- صلوات الله علیهم اجمعین بدانند، و رسالت و ولایت ایشان را ظلال رسالت و ولایت «انبیا و اولیای پیشین دانسته» بمواظبت اوراد و اذکار خفیه قلبیه ایشان خود را در ربقة آیه: **واذکرواالله کثیرا لعلکم تفلحون**<sup>۱</sup> منخرط و بمراقبت افکار علویه ایشان خود را در زمره: **الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض**<sup>۲</sup> منسلک شمرده و بمتابعت ایشان در اطوار سلوک حکم محکم: **الذین یجاهدون فی سبیل الله و لایخافون لومة لائم**<sup>۳</sup> را مرعی و مسلوک دارند، و بمتابعت ایشان در طریق حکم: **یبایعون فی الاسلام را منهی و متروک نگذارند، که بعنایت حضرت مولی بهدایت ایشان به مدلول: علیکم بحلق الذکر، در حلقه اهل توحید درآیند، و بدلالت ایشان بمضمون: فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون**<sup>۴</sup> ابواب مغلقة تجلیات غیبی و طرق منسده افاضات لاریبی را بر چهره خود بگشایند- والله الموفق و المعین- انتهى.

---

<sup>۱</sup> سورة انفال آیه ۴۵

<sup>۲</sup> سورة آل عمران آیه ۱۹۱

<sup>۳</sup> اشاره به سورة مائدة آیه ۵۴

<sup>۴</sup> سورة نحل آیه ۴۳